

تحلیل و بررسی زیورآلات و پوشش سر در دوران هخامنشیان

گروه طراحی دوخت، دانشکده هنر و معماری، مؤسسه آموزش عالی آپادانا،
شیراز، ایران

معصومه محمدی*

چکیده

قدمت زیورآلات برابر با خود انسان است. از زمانی که انسان کهن با طبیعت پیرامون خود دست و پنجه نرم می کرد و برای گذران زندگی، خوراک، پوشاک و دیگر مایحتاج را فراهم می آورد، درک زیبایی شناسی نیز همراه با تجربیات روزمره در آن شکل گرفت. از جمله تمدنهای باستانی که در زمینه ساخت زیورآلات و بطور کلی هنر، تأثیرات چشمگیری در هنر امروزه دارد تمدن هخامنشیان می باشد. برای فهم تأثیرات فرهنگی هنری و آگاهی از گستردگی روابط متقابل تمدن ایران و دیگر تمدن ها لازم است یافته های باستان شناسی کاوش های علمی در ایران و مناطق دیگر مورد مطالعه قرار گیرد تا براساس حجم داده های باستان شناسی به سطح و گستردگی روابط فرهنگی و هنری این تمدن پی برده شود. در این مقاله با موضوع تحلیل و بررسی زیورآلات و پوشش سر در دوران هخامنشیان سعی خواهد شد به شیوه مطالعه کتابخانه ای و گزارش پژوهش های میدانی به شناخت بیشتری از هنر این دوران دست یافت و نقش و جایگاه و تأثیر آن را بر مد دنیای امروزی مشاهده کرد. امروزه الهام گرفتن از دنیای گذشتگان تأثیرات زیاد و زیبایی در خلق آثار ارزشمند کنونی دارد از جمله ساخت زیورآلاتی مانند انواع دستبند ها، گردنبند ها، گوشواره ها و دیگر اکسسوری ها. تأثیر هنر هخامنشیان به همینجا ختم نمیشود بلکه در تزیینات منزل، طراحی پارچه و طراحی لباس نیز کاربرد دارد. آثار باستانی به جا مانده از آن زمان از جمله کتیبه ها، مهره ای سفالی و گلی، پارچه ها همه به ما در شناخت هنر این دوران کمک می کنند.

کلیدواژه ها: زیورآلات هخامنشیان، هنر هخامنشیان، هنر، پوشش سر

مقدمه

تحقیقات باستان شناسی حاکی از آن است که نخستین زیورهای مورد استفاده بشر دندان ها و پنجه های حیواناتی بوده که صید می کرده است. این قطعه های کشف شده با یک رشته لیف طبیعی به هم متصل می شدند و تشکیل مجموعه ای بدیع را می دادند که بسیار زیبا جلوه می کردند. با پیدایش زیورهای فلزی و به کارگیری طلا، نقره و سنگ های قیمتی، این زیورها بیشتر در ساخت گردنبندها و تاج های سلطنتی، دستبند ها، ادوات جنگی پادشاهان، لباس ها و نیم تاج های زنانه برای بزرگان مورد استفاده قرار گرفت. همانند روزگار معاصر طلا، جواهرات و زیورآلات مختلف در روزگاران گذشته بیشتر به منظور کسب حیثیت و اعتبار اجتماعی، ارضای نیازهای روحی و غریزی، تزئین اندام های مختلف بدن و انجام مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می گرفته است.

تمدن ایران در آسیای جنوب غربی به عنوان یکی از بزرگترین و تاثیر گذارترین تمدن و فرهنگ این منطقه در دوره تاریخی بوده است. پدیدار شدن امپراطوری هخامنشیان و فتح مناطق گسترده ای از جهان و استفاده از تجربه فرهنگی و هنری بیشتر تمدن های بزرگ منطقه، فرهنگ و تمدن ایران را غنا و روند آن را سرعت بخشیده است. (ولایتی، رحیم: ۱۳۸۷، مطالعه بخشی از یافته های باستان شناسی مرتبط با هنر دوره هخامنشیان در مصر، باغ نظر، شماره ۱۰).

هنر هخامنشی بر مبنای هنر های اقوام تابعه و سنن هنری پیشین، از پاسارگاد که باید آن را نمونه کوچک تخت جمشید دانست آغاز و به هنری متمایز بدل گشت. این هنر، هنر شاهنشاهی و در پایتخت وبا سرنوشت آنها همراه بود. پیشرفت آن در دوران کوروش و داریوش به اوج می رسد و پس از جنبشی اندک در دوره خشایارشا و اردشیر، با افول هخامنشیان به پایان می رسد.

تالیف رمان گیرشمن، ترجمه بهرام فره وشی، (سال چاپ ۱۳۷۱) هنر ایران در دوران ماد و هخامنشیان، ناشر علمی و فرهنگی (۱۳۰)

در ایران نیز گرچه در هزاره های پیش از هخامنشیان کلاه یا تاج وافر برای پوشش سر خدایان و سرکردگان یا حکومتگزاران محلی و همسرانشان در ایران و بین النهرین رایج بوده است، اما از این دوره به بعد است که تاج وافر به عنوان کلاه پادشاهان معنایی ویژه می یابد و به جواهر و فلزات گران بها چون طلا آراسته می شود. در شاهنامه نیز فردوسی بارها به این مسئله اشاره کرده و آن را از اجزای ضروری پوشش سر پادشاهان برشمرده است. همان طور که در کتاب هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی اشاره شد، جوانان ما در جنگ تحمیلی از پیشانی بندهای پارچه ای مانند دیهیم استفاده می کردند که این ها به عنوان نشانه پیروزی و ایمان تلقی می شد و یک رسم اصیل ایرانی است که از دوران باستان گرفته شده و تاکنون پاینده است. زنان هخامنشی در مهرها و فرش پازیریک نیز تاج بر سر دارند. گیس بندهای زنان هخامنشی در موزه ها یا روی نقش مهرها از زیبایی خاصی برخوردار است. بی شک با مشاهده آثار به جای مانده از زیورآلات و کلاه ها و تزیینات موها و حتی مطالعه این موارد در نقاشی ها و مجسمه ها و نقوش برجسته در دو تمدن هخامنشیان و مصر باستان به طور حتم به تاثیرات متقابل بین آنها و خصوصا تاثیر بیشتر تمدن مصر بر هخامنشیان پی خواهیم برد.

مهر آسا غیبی، (سال چاپ ۱۳۸۵) هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ناشر هیرمند

هدف از این پژوهش بررسی تاثیر تمدن هخامنشیان در زمینه های فرهنگی و هنری مد امروزی می باشد . خصوصا تاثیرات در زمینه زیورآلات زنان در دنیای امروزی است .

خاورمیانه یکی از کهن ترین کانون های تمدن بشری است. در این منطقه، تمدن ایران باستان درخشنده تر از سایر سرزمین ها هست .موقعیت جغرافیایی ایران به گونه ای است که در طول تاریخ چهار راه حوادث و گذرگاهی برای تعاملات فکری و فرهنگی اقوام مختلف بوده است . امروزه شناخت این پیشینه های فرهنگی ارزشمند برای نسل معاصر به عنوان ادامه دهنده و انتقال و پرورش آن در زمینه های هنری معاصر بسیار ضروری میباشد .

در ارتباط با پیشینه پژوهش این بررسی میتوان به مقاله هایی از جمله :

ولایتی، رحیم:۱۳۸۷،مطالعه بخشی از یافته های باستان شناسی مرتبط با هردوره هخامنشیان درمصر،باغ نظر، شماره ۱۰.

معصومه نصیری، ۱۳۸۶، کنکاشی در تاثیرات متقابل جغرافیای فرهنگی ایران و مصر ، به تاثیرات متقابل ایران و مصر از دوره هخامنشیان تا بعد از آنها در دوره اسلامی ، در زمینه های مختلف از جمله فرهنگی پرداخته است.

و کتاب هایی از جمله :

جلیل ضیا پور، پوشاک باستانی ایرانیان تا پایان دوره ساسانیان،۱۳۳۲، در این کتاب نویسنده به بررسی پوشاک مردمان ایران باستان پرداخته و اشاراتی در زمینه زیورآلات و اطلاعات کاملی ارائه نموده است.

شیرین بیانی ، تاریخ ایران باستان(۲)،۱۳۸۵،به تاریخ ایران باستان و شکل گیری تمدن ها پرداخته است.

فریدون پور بهمن ، پوشاک در ایران باستان، ترجمه هاجر سیکارودی،۱۳۸۶.

جان کورتیس ، ایران باستان به روایت موزه بریتانیا،۱۹۴۶ ، م.

مهر آسا غیبی ، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی

تالیف گیرشمن ، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشیان ۱۳۷۱

نقش زنان در دوران هخامنشیان

هاید ماری کخ در کتاب "از زبان داریوش" می‌نویسد که نخستین موضوعی که بی‌درنگ جلب توجه می‌کند لباس زنان است، که همان لباس چین‌دار هخامنشی و همان کلاهی است که مردها بر سر دارند.

مدت زیادی است که مشخص شده است که در هیچ‌یک از نگاره‌های تخت جمشید، شوش و پاسارگاد هیچ زنی به تصویر کشیده نشده است. اما در میان آثار هنری کوچک به نقش‌های بی‌شماری برمی‌خوریم که به کمک آن‌ها می‌توان به تصویر کاملی از ظاهر زنان امپراتوری بزرگ ایران دست یافت. در بین مردان سرپوش کنگره‌ای بیش‌تر به چشم می‌خورد. از آنجا که مردان نیز از زیورآلات و جواهر زیادی استفاده می‌کردند، از این طریق تشخیص مرد یا زن بسیار دشوار می‌شود. حتی عناصر زینتی مانند به دست گرفتن نیلوفر نیز در تصویر زنان و مردان مشابه است. علاوه بر این معلوم می‌شود که در سراسر امپراتوری از مد واحدی پیروی می‌شد. ظاهراً زنان اشراف چشم به دربار در تخت جمشید داشته‌اند. برای نمونه نگاره‌ای که سنگ آهنک از مصر به دست آمده و امروزه در موزه بروکلین نگهداری می‌شود زنی را بالباس چین‌دار هخامنشی نشان می‌دهد.



نگاره‌ای از سنگ آهنک از مصر، زنی در جامه ایرانی
(کخ، هاید ماری، ترجمه پرویز رجبی، (سال چاپ ۱۳۶۹) از زبان داریوش)
(تصویر شماره ۱)

در تصویر دست‌های نگاره در جلو به هم گره خورده و گردن بندی چند ردیف از مروارید، مانند گردنبندی که از پاسارگاد به دست آمده بر گردن دارد. حلقه‌های بزرگ زینت بخش گوش‌ها شده و موها را نواری با نقش نیلوفر نگه داشته است. این نوار همانی است که اسلحه‌دارهای شاه در نگاره‌های بیستون بر سردارند. در آرایش مو تقلید آخرین مد نگاره‌های تخت جمشید را شاهدیم. موها کوتاه و به صورت دایره‌ی موج‌دار انبوهی پیرامون سر، درست مانند موهای شاه قرار گرفته است. (تصویر شماره ۱)



سری از خمیر شیشه آبی

(کخ، هاید ماری، ترجمه پرویز رجبی، (سال چاپ ۱۳۶۹) از زبان داریوش)
(تصویر شماره ۲)

همین آرایش مو را در سری می‌بینیم که از تخت جمشید به دست آمده است. این سنگ به تقلید از سنگ لاجورد، لعابی به رنگ آبی دارد. چشم‌ها و ابروان از لعاب شیشه‌ای و به رنگی دیگر ساخته شده است. این سر می‌توانست از آن یک زن باشد. همچنین سری از سنگ آهنک که در مسجد سلیمان پیدا شده یا سر دیگری از گل پخته از شوش ممکن است زنانه باشد. (تصویر شماره ۲)

در میان وسایل آرایشی سرمه‌دان‌هایی از برنز یافت شده که اغلب به شکل یک زن ساخته شده است. نمونه‌ی مجموعه‌ی خصوصی فروغی از زیبایی خاصی برخوردار است. زنی که به صورت سرمه‌دان ساخته شده، لباس هخامنشی بر تن دارد که بخصوص آستین‌هایش از زیبایی خاصی برخوردار است. از پشت سر زن گیسویان بلندی آویخته است و گردن بند پهنی از مروارید بر گردن دارد. دسته‌ی کلاهک سر مردان که به شکل پایه مبل ساخته شده، برای آسانی کار کمی بلندتر گرفته شده است و روی آن یک پرنده نشسته است (تصویر شماره ۳)



سرمه‌دان برنزی به شکل یک زن بالباس چین‌دار هخامنشی
(کخ، هاید ماری، ترجمه پرویز رجبی، (سال چاپ ۱۳۶۹))

(تصویر شماره ۳)



مدال زرین کردستان دوره هخامنشیان موزه ملی ایران
پی یر، بریان: ترجمه ناهید فروغان (سال چاپ ۱۳۸۱)، امپراتوری هخامنشی، انتشارات فرزانه، تهران.
(تصویر شماره ۴)

مزیت مهارت فنی، تعادل میان جذابیت، قریحه هنری، تابش رنگ‌ها، امتزاج نگاره‌ها، جوشش شیوه‌های بکار رفته که حاصلش هماهنگی بود، بی‌آنکه سنت‌های هنری مختلف محو و مستور گردد، همه عواملی بودند که جواهرسازی هخامنشی را بیشتر اشتیاق انگیز و جذاب جلوه گر سازند تا ابد و بی‌تعالی. علاوه بر مجموعه جواهرات آمودریا و زیویه تعداد زیادی از زیورآلات این دوره در شوش، همدان و پاسارگاد به دست آمده که در نوع خود بی‌نظیر است. شاهکار این مجموعه یک جفت گوشواره بافته شده از طلاست. در وسط دایره این گوشواره آویزه‌هایی در سه ردیف معلق و آویز بزرگ‌تری نیز در پایین گوشواره نصب شده است. به‌طور کلی مردان هخامنشی برای نشان دادن تشخیص و مقام خود از گوشواره استفاده می‌کردند. مثلاً گوشواره داریوش در سنگ‌نگاره پلکان شرقی و موزه ملی ایران حلقه‌ای است که از سه آویز گوی مانند تشکیل شده است و حلقه‌های ساده هم بر گوش خدمتکاران دیده می‌شود و هم بر گوش بلندپایگان و گردنبندهایی که در نوع خود بی‌نظیر است. (تصویر شماره ۵)



گردنبند دوره هخامنشیان.
ضیا پور، جلیل: (سال چاپ ۱۳۴۳) پوشاک باستانی ایرانیان تا پایان دوره ساسانیان، انتشارات اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه وزارت فرهنگ و هنر، تهران.
(تصویر شماره ۵)

تصویر سمت راست گردنبند زرین با آویزهایی به شکل سر انسان، قوچ، شیر، گراز و بس (طلسم مصری ۳۳۰ تا ۵۵۰ قبل میلاد پاسارگاد موزه ملی ایران از روی کاتالوگ اشیا سیمین و زرین در موزه ملی ایران). تصویر سمت چپ گردنبند با آویزهایی از شیرهای حکاکی شده در میان و با مهره‌هایی از طلا و سنگ سفید، همدان ۳۳۰ تا ۵۵۰ قبل میلاد موزه ملی ایران

این زیورها شامل گوشواره مليله کاری شده، زنگوله‌های طلائی، سنجاق سر، آویز، راندل (صفحه‌های کوچک کروی شکل برای تزئین و نیز نگهداری لباس)، گردنبند انگشتر و غیره که به قول فریه نشانه‌هایی بارز از آرایه‌های بانوی اعیان مسلک هخامنشی است.

بنا به گفته دیوید تالبوت رایس مردان و زنان به‌طور برابر از جواهرات استفاده می‌کردند و به هنگام تشریفات شاهانه حتی اسب‌ها نیز به تفصیل به جواهر آراسته می‌شدند. او همچنین مجموعه‌ای از دستبندها در موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی ارائه می‌دهد که در میان آن‌ها دستبندی که با شیشه‌های الوان و دوسر طلا ساخته شده بسیار جالب است. (تصویر شماره ۶)



دستبند با پایانه‌ی سر گاو با شیشه‌های الوان و طلا ۳۳۰ تا ۵۵۰ قبل میلاد
ضیا پور، جلیل: (سال چاپ ۱۳۴۳) پوشاک باستانی ایرانیان تا پایان دوره ساسانیان، انتشارات اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه وزارت فرهنگ و هنر، تهران.
(تصویر شماره ۶)



یک جفت راندل طلا مرصع به فیروزه، لاجورد و عقیق گلگون، شوش دوره هخامنشیان موزه لوور پاریس از روی کاتالوگ امپراتوری فراموش شده
ضیا پور، جلیل: (سال چاپ ۱۳۴۳) پوشاک باستانی ایرانیان تا پایان دوره ساسانیان، انتشارات اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه وزارت فرهنگ و هنر، تهران.
(تصویر شماره ۷)



ضیا پور، جلیل: (سال چاپ ۱۳۴۳) پوشاک باستانی ایرانیان تا پایان دوره ساسانیان، انتشارات اداره کل موزه‌ها و فرهنگ‌عامه وزارت فرهنگ و هنر، تهران.
(تصویر شماره ۸)

در موزه بریتانیا انگشتی از مجموعه گنجینه جیحون دیده می‌شود که زنی نشسته را نشان می‌دهد در یکدست گلی و در دست دیگر نواری فلزی که به‌عنوان زینت به کار می‌رود و ملبس به لباس بلند و تاجی بر سر دارد و گیس بند او از پشت سر نمایان است.



انگشت طلا که نقش زنی را با گیس بند و تاج می‌نماید. گنجینه جیحون موزه بریتانیا از روی کاتالوگ امپراتوری فراموش‌شده

ضیا پور، جلیل: (سال چاپ ۱۳۴۳) پوشاک باستانی ایرانیان تا پایان دوره ساسانیان، انتشارات اداره کل موزه‌ها و فرهنگ‌عامه وزارت فرهنگ و هنر، تهران.
(تصویر شماره ۹)

همان گونه که قبلاً اشاره شد زیورآلات این دوره منحصر به بازوبند و گردنبند و انگشتر و گوشواره نبوده است. بلکه برای نشان دادن اشرافیت بیشتر، از زیورهای چون دکمه، آویز، مدالیون طلا برای زینت دادن پارچه‌ی تن پوش‌ها بهره می‌جستند.



آویزهای طلا آرایه‌های لباس دوره هخامنشی، موزه رضا عباسی ضیا پور، جلیل: (سال چاپ ۱۳۴۳) پوشاک باستانی ایرانیان تا پایان دوره ساسانیان، انتشارات اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه وزارت فرهنگ و هنر، تهران. (تصویر شماره ۱۰)

کلاه یا تاج پادشاهان و تزیینات سرزنان

کلاه پارسیان مهم‌ترین بخش پوشاک آن‌ها محسوب می‌شود زیرا گذشته از پوشاندن سر و آرایش آن، برای نمایاندن خصوصیات قومی و نژادی از آن استفاده می‌شد. تشکیل ارتش منظم و به وجود آوردن سپاه جاویدان و به‌طور کلی بنیاد تشکیل کشوری، تنوع کلاه و پوشش سر را سبب شد. زیرا این پوشش‌های سرمعرف و نشانه‌های مقام و منزلت اجتماعی فردی بود که از آن استفاده می‌کرد.

انواع کلاه ها :

کلاه ترک‌دار یا شیاردار :

این کلاه از جنس نمد نرمی بوده که آن را خوب می‌مالیدند و به آن (تیار) یا (تیاراس) می‌گفتند. این کلاه حدود ۱۸ تا ۲۴ ترک داشت و بر لبه پایینی آن نواری برای جلوگیری باز شدن چین ترک‌ها تعبیه شده و کلگی آن نیز در وسط دارای کمی برجستگی بود این کلاه به کرات سر سربازان و بزرگان هخامنشی دیده می‌شود.

(تصویر شماره ۱۱)



مهر آسا غیبی ، (سال چاپ ۱۳۸۵) هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی ، ناشر هیرمند
(تصویر شماره ۱۱)

یک نمونه دیگر کلاه بدون ترک یا بدون شیار : این کلاه نیز از جنس نمد نرم تهیه می‌شده و کاملاً بدون ترک بوده که شکل و فرم آن همانند کلاه ترک‌دار بود ولی ساده و بلند تهیه می‌شد. این کلاه به شکل استوانه‌ای ساده‌ای بود که قسمت بالای آن برگشتگی مختصری به سمت بیرون و اندکی گشادتر از قسمت پایین بود. این کلاه غالباً توسط بزرگان و راهنمایان درباری که از بزرگان پارسی بودند استفاده می‌شد. (تصویر شماره ۱۲)



مهر آسا غیبی ، (سال چاپ ۱۳۸۵) هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی ، ناشر هیرمند
(تصویر شماره ۱۲)

کلاه خود:

مردان پارسی در هنگام جنگ و نبرد بر روی باشلق خود از کلاه‌های دیگری نیز استفاده می‌نمودند که از جنس آهن و مفرغ بود و کلاه خود نامیده می‌شد.

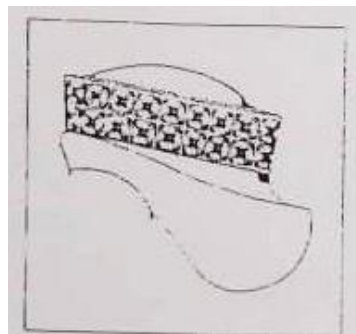
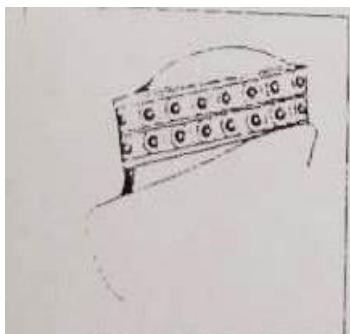
تاج یا افسر (کلاه بدون ترک با حاشیه زیک زاک):

تاج در لغت به معنای کلاهی است که پادشاهان بر سر می‌نهادند و اجزای ضروری پوشش سر پادشاهان محسوب می‌شد. در زمان هخامنشیان نوع ویژه‌ای از کلاه پادشاهان تاج نامیده می‌شد. این کلاه، کلاه استوانه‌ای شکل ساده بدون ترکی بود همانند کلاه نوع دوم که دورتادور آن در بالا به صورت زیک زاک بود و بجای تاج در مواقع رسمی بر سر پادشاهان و ولیعهدها دیده می‌شد و شخص دیگری حق بر سر گذاشتن این نوع کلاه را نداشت. شکل و بلندی این کلاه مانند تاج‌های زرین شاهان هخامنشی بود ولی کنگره‌های تاج در این نوع کلاه راسته مشاهده نمی‌شد. (تصویر شماره ۱۳)



مهر آسا غیبی، (سال چاپ ۱۳۸۵) هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ناشر هیرمند (تصویر شماره ۱۳)

پیشانی‌بند یا دیهیم: پیشانی‌بند حلقه ایی طلایی بود که بلندی آن به پنج سانتی‌متر می‌رسید و با برگ‌ها و گل‌های زیبایی از جنس زر آراسته می‌شد و بر سر پادشاه و ولیعهدها شبیه عنوان نشانه پیروزی و افتخار گذارده می‌شد. البته گاه نیز این پیشانی‌بند در جنگ‌ها توسط سربازان پارسی دیده می‌شد که برای جلوگیری از ریختن موهایشان بر چهره و پیشانی از آن استفاده می‌نمودند و گاه نیز این پیشانی‌بند را به جای زر به صورت حلقه‌هایی از گل و گیاه در دربار شاهان استفاده می‌نمودند که به آن بساک گفته می‌شد. (شماره تصویر ۱۴)



مهر آسا غیبی، (سال چاپ ۱۳۸۵) هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ناشر هیرمند (تصویر شماره ۱۴)

پوشش زنان

پوشش زنان در این دوره چادر یا سربندی بود که با دو نوع پوشش قبلی استفاده می‌شد و خود بر دو نوع دیگر بود:

نوع اول: این چادرها چادری مستطیل شکل بود که بر سرافکنده می‌شد و با و شش نوع دوم استفاده می‌شد. نوع دیگر این چادرها پوششی همانند چادر بود که حاشیه دوزی‌های زیبایی داشت. (گودرز اسعد بختیاری)

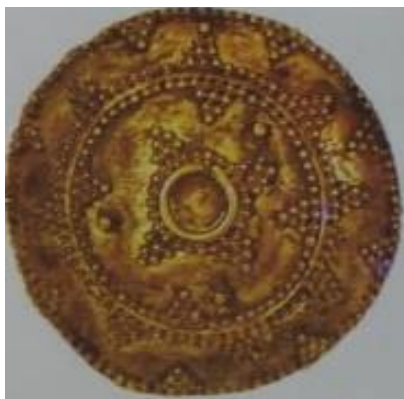


مهر آسا غیبی، (سال چاپ ۱۳۸۵) هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ناشر هیرمند
(تصویر شماره ۱۵)

گرچه در هزاره‌های پیش از هخامنشیان کلاه یا تاج و افسر برای پوشش سر خدایان و سرکردگان یا حکومتگزاران محلی و همسرانشان در ایران و بین‌النهرین رایج بوده است، اما از این دوره به بعد است که تاج و افسر به عنوان کلاه پادشاهان معنایی ویژه می‌یابد و به جواهر و فلزات گران‌بها چون طلا آراسته می‌شود. در شاهنامه نیز فردوسی بارها به این مسئله اشاره کرده و آن را از اجزای ضروری پوشش سر پادشاهان برشمرده است. در دوره‌های بعد به ویژه ساسانی و سده‌های آغازین اسلامی در اشعار شاعرانی چون رودکی، مولوی و کتاب‌هایی چون لغت فرس اسدی طوسی، فرهنگ رشیدی، فرهنگ میرزا ابراهیم و غیره با واژه‌های بساک یا پساک (تاج از گل و گیاه) کرزن یا گرز و نیز تاج و دیهم از نیم تاج یا تاج و کلاه مرصع به جواهر روبرو هستیم که در وصف پوشش سر پادشاهان آمده و به انواع جواهرات آراسته بوده است. در سنگ‌نگاره بیستون داریوش و دونفری که به عنوان کماندار پشت سر او ایستاده‌اند دیهم‌هایی بر سردارند که مانند نواری از طلا با نقش لوتوس دور سر را فراگرفته به نظر می‌آید که دیهم داریوش کمی پهن‌تر و پرنقش‌تر است. نمونه ساده این نوارها در موزه ملی ایران موجود است. در موزه بریتانیا نیز مجموعه‌ای در گنجینه جیحون وجود دارد که زیورهای یک شاهزاده هخامنشی را نشان می‌دهد.



مهر آسا غیبی، (سال چاپ ۱۳۸۵) هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ناشر هیرمند
(تصویر شماره ۱۶)



دکمه زرین (کلاهک تزیینی) تخت جمشید (خزانه) دوره هخامنشیان موزه ملی ایران. از روی کاتالوگ اشیا سیمین و زرین
تالیف رمان گیرشمن ، ترجمه بهرام فره وشی، (سال چاپ ۱۳۷۱) هنر ایران در دوران ماد و هخامنشیان ، ناشر علمی و
فرهنگی
(تصویر شماره ۱۷)



تصویر سمت راست گردنبند با مهره لاجورد (سفال) و طلا. کردستان
تصویر سمت چپ گردنبندی با مهره‌ای عقیق و کلاهک با پوشش طلا (فارس) ۳۳۰ تا ۵۵۰ موزه ملی ایران
تالیف رمان گیرشمن ، ترجمه بهرام فره وشی، (سال چاپ ۱۳۷۱) هنر ایران در دوران ماد و هخامنشیان ، ناشر علمی و
فرهنگی
(تصویر شماره ۱۸)

آویز طلایی به شکل انار، دوره هخامنشیان . موزه ملی ایران



تالیف رمان گیرشمن ، ترجمه بهرام فره وشی، (سال چاپ ۱۳۷۱) هنر ایران در دوران ماد و هخامنشیان ، ناشر علمی و
فرهنگی
(تصویر شماره ۱۹)

نمونه هایی از اکسسوری های امروزی ایده گرفته شده



بحث و نتیجه گیری

نتیجه گیری

در دو هزار سال پیش از میلاد، ساکنان فلات ایران، ساختن جواهرات و زیور آلات را با دانه و مهره های رنگی آغاز کردند و بدین گونه، علاقه خود را به تزئینات و زیور آلات نشان دادند. در دوره هخامنشیان همزمان با استفاده از سنگ های قیمتی و همچنین جواهراتی با طرح های ساده و با مقیاس کوچکتر، متداول شد تا اینکه در دوره ساسانیان، هنر جواهر سازی، مانند سایر هنرها به شکوفایی رسید.

بی تردید حکومتی در ایران به نام هخامنشان را می توان رنسانسی در زمینه توسعه تمدن و فرهنگ پارس باستان و گسترش آن در حیات بقا ملت ایران به شمار آورد هرچند که تمدن های دیگر در راستای اهداف سیاستگرایانه حکام هخامنشی و بخصوص در دوران کوروش و داریوش که سنوات سلطه طلبی آن ها بر تمدن ها و رونق بخشی بر بساط حکومت ایران تا حد جهان طلبی بود. هر یک از کشورهای تحت سلطه را با اعطای استقلال و آزادی نسبی به نژادها و ادیان و حتی مردم سراسر پارس و یا ایران قدیم در زیر یوغ حکومت شاهنشاه قراردادند و این خود انگیزه هایی را در وجود هنرمندان و صنعتگران و اهل ادب برانگیخت تا بتوانند در نیمه دوم هزاره اول قبل از میلاد آن چنان حکومتی را تشکیل دهند که تمدن های قدیم را در کنار هم و در تحت لوای یک حکومت بزرگ در آورند.

تحلیل نتایج این مطالعه تطبیقی نشان می دهد که تأثیر گذاری هنر مصر بر ایران بیشتر بوده است. تمدن ایران در آسیایی جنوب غربی به عنوان یکی از بزرگ ترین و تأثیر گذارترین تمدن و فرهنگ این منطقه در دوره تاریخی بوده است. پدیدار شدن امپراتوری هخامنشیان و فتح مناطق گسترده ای از جهان و استفاده از تجربه فرهنگی و هنری بیشتر تمدن های بزرگ منطقه، فرهنگ و تمدن ایران را غنا و روند آن را سرعت بخشیده است. فرهنگ و تمدن مصر یکی از فرهنگ هایی بود که بر هنر ایران تأثیر گذاشت و باعث تکامل آن شد. هنوز بعد از گذشت چندین سال اطلاعات کافی در این باره وجود ندارد و نیازمند پژوهش های بیشتری در این زمینه هست.

منابع

- ۱- ضیا پور، جلیل: ۱۳۳۲، (سال چاپ ۱۳۴۳) پوشاک باستانی ایرانیان تا پایان دوره ساسانیان، انتشارات اداره کل موزه ها و فرهنگ عامه وزارت فرهنگ و هنر، تهران.
- ۲- بیانی، شیرین (سال چاپ ۱۳۸۵)، تاریخ ایران باستان (۲)، انتشارات سمت، تهران.
- ۳- پور بهمن، فریدون: ترجمه هاجر سیکارودی (سال چاپ ۱۳۸۶) پوشاک در ایران باستان، انتشارات امیرکبیر تهران.
- ۴- پی یر، بریان: ترجمه ناهید فروغان (سال چاپ ۱۳۸۱)، امپراتوری هخامنشی، انتشارات فرزانه، تهران.
- ۵- دکتر انصاری، جمال: (سال چاپ ۱۳۸۷) باستان شناسی ایران و جهان (مروری بر کشورهای مصر، بین النهرین، ایران باستان)، سبحان نور، تهران.
- ۶- آژند، یعقوب: (سال چاپ ۱۳۲۸)، تاریخ هنر باستان، انتشارات سمت، تهران.

- ۷- کرتیس، جان (سال چاپ ۱۹۴۶)، ترجمه آذر بصیر، ویرایش علمی، پیمان متین، انتشارات امیرکبیر، تهران.
 - ۸- هیتس، والتر: ترجمه پرویز رجبی (سال چاپ ۱۳۸۶)، تاریخ فرهنگ و تمدن هخامنشیان، نشر ماهی، تهران.
 - ۹- مهر آسا غیبی، (سال چاپ ۱۳۸۵) هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ناشر هیرمند
 - ۱۰-تالیف رمان گیرشمن، ترجمه بهرام فره وشی، (سال چاپ ۱۳۷۱) هنر ایران در دوران ماد و هخامنشیان، ناشر علمی و فرهنگی
 - ۱۱- کخ، هاید ماری، ترجمه پرویز رجبی، از زبان داریوش (سال چاپ ۱۳۶۹)،
- مقالات:

- ۱- ولایتی، رحیم: ۱۳۸۷، مطالعه بخشی از یافته های باستان شناسی مرتبط با هنر دوره هخامنشیان در مصر، باغ نظر، شماره ۱۰.
 - ۲- فروغی، مهرداد، جوادی، شهره: ۱۳۹۶، بررسی مفاهیم سمبلیک رنگ ها در هنر نقاشی مصر باستان و منشاء این مفاهیم در محیط پیرامون، باغ نظر، شماره ۵۳.
- ولایتی، رحیم: ۱۳۹۴، نقد مورخین یونانی در رابطه با تاریخ هخامنشیان در مصر براساس یافته های باستان شناسی